https://farid.ps/articles/the_case_of_tom_alexandrovich/fa.html

اگر می‌توانی مرا بگیر – پرونده تام الکساندروویچ

از ۲ تا ۷ اوت ۲۰۲۵، در حالی که **کنفرانس سایبری بلک هت ایالات متحده** در ماندلی بی در جریان بود، نیروهای انتظامی نوادا عملیاتی چندجانبه با هدف شناسایی شکارچیان آنلاین کودکان انجام دادند. **گروه ویژه جرایم اینترنتی علیه کودکان نوادا (ICAC)**، به همراه FBI، تحقیقات امنیت داخلی، پلیس متروپولیتن لاس‌وگاس و پلیس هندرسون، در فضای آنلاین وانمود به کودکان زیر سن قانونی کردند، گفتگوهای محکوم‌کننده را جمع‌آوری نمودند و دیدارهایی ترتیب دادند تا نیت متهمان را تأیید کنند.

هشت مرد دستگیر شدند. یکی از آن‌ها **تام آرتیوم الکساندروویچ**، یک مقام ارشد سایبری اسرائیلی بود که در کنفرانس حضور داشت. او در ۶ اوت ۲۰۲۵ در **بازداشتگاه هندرسون** ثبت شد و به اتهام **فریب کودک با استفاده از رایانه برای انجام عمل جنسی** طبق **NRS 201.560**، یک **جرم رده B** که مجازات آن **۱ تا ۱۰ سال زندان** و جریمه‌ای تا **۱۰,۰۰۰ دلار** است، متهم شد.

عملیات‌هایی از این دست در لاس‌وگاس رایج است – عملیاتی در سال ۲۰۲۴ منجر به دستگیری ۱۸ مرد به اتهامات مشابه شد. آنچه در اینجا غیرمعمول بود، پروفایل یکی از مظنونان بود: مردی که مسئول حفاظت از دفاع سایبری ملی اسرائیل بود و کمتر از دو هفته بعد به اسرائیل بازگشت.

تام الکساندروویچ کیست؟

الکساندروویچ یک کارمند حاشیه‌ای نبود. او **رئیس بخش دفاع فناوری** در **مدیریت ملی سایبری اسرائیل (INCD)** بود که مستقیماً زیر نظر دفتر نخست‌وزیر فعالیت می‌کند.

- او به طراحی **گنبد سایبری**، سیستم دفاع سایبری بلندپروازانه اسرائیل مبتنی بر هوش مصنوعی، که بر اساس سپر دفاع موشکی گنبد آهنین مدل‌سازی شده، کمک کرد.
- او جایزه **دفاع اسرائیل** را برای مشارکت‌هایش دریافت کرد.
- او به نخست‌وزیر **بنیامین نتانیاهو** و دیگر مقامات ارشد در زمینه دفاع سایبری، استراتژی هوش مصنوعی و تاب‌آوری ملی مشاوره داد.
- پروفایل لینکدین او (که اندکی پس از دستگیری حذف شد) او را به عنوان یک مدیر اجرایی و رهبر سایبری با دسترسی گسترده به اسرار دولتی توصیف می‌کرد.

با توجه به دکترین **امنیت پیش‌دستانه** اسرائیل، منطقی است که فرض کنیم مسئولیت‌های الکساندروویچ فراتر از دفاع صرف به **عملیات اطلاعاتی تهاجمی** گسترش می‌یافت. واحد سایبری اسرائیل شناخته شده است که درخواست‌های **حذف محتوا** را با متا، گوگل و ایکس هماهنگ می‌کند، ظاهراً برای مبارزه با تحریک، اما در عمل اغلب برای سرکوب محتوای سیاسی نامطلوب برای اسرائیل.

به عنوان **نابغه هوش مصنوعی** اسرائیل، الکساندروویچ احتمالاً در **اتوماسیون این سیستم‌های سانسور** دخیل بود – نوعی هسباره دیجیتال، یا مدیریت روایت، که به عنوان مبارزه با تروریسم معرفی می‌شود. این او را نه تنها به یک مدافع سایبری، بلکه به یک **نگهبان استراتژیک کمپین‌های نفوذ آنلاین اسرائیل** تبدیل کرد.

شرایط وثیقه – چه باید می‌شد

طبق **قانون نوادا**، وثیقه باید موارد زیر را منعکس کند:

- **جدی بودن جرم**: فریب کودکان یک جرم سنگین است؛ وثیقه اغلب بسیار بالا تعیین می‌شود یا کاملاً رد می‌شود.
- **قدرت شواهد**: عملیات‌های مخفی معمولاً سوابق دیجیتالی محکمی تولید می‌کنند، از جمله □□های گفتگو و شواهد نیت.
- **ریسک فرار**: الکساندروویچ هیچ ارتباطی با نوادا نداشت، در اسرائیل زندگی می‌کرد و ابزار لازم برای ترک سریع را داشت.
- **منابع مالی**: وثیقه باید به اندازه کافی بالا باشد تا برای متهم اهمیت داشته باشد؛ چیزی که یک کارگر نوادایی را بازمی‌دارد نباید برای یک مقام خارجی ثروتمند ناچیز باشد.

برای یک متهم معمولی، وثیقه در چنین مواردی ممکن است بین **۵۰,۰۰۰ تا ۱۵۰,۰۰۰ دلار** باشد، با شرایطی مانند: - **تحویل تمام پاسپورت‌ها و اسناد سفر - نظارت الکترونیکی - محدودیت‌های جغرافیایی** در نوادا - گاهی اوقات **رد کامل وثیقه**

در عوض، الکساندروویچ **یک روز پس از دستگیری** با وثیقه **۱۰,۰۰۰ دلاری** آزاد شد.

این یک بازدارنده معنادار نبود. درآمد واقعی الکساندروویچ تقریباً به یقین در محدوده **۳۰۰,۰۰۰ تا ۶۰۰,۰۰۰ دلار در سال** بود، اگر نه بیشتر – بسیار بالاتر از میانگین‌های اعلام‌شده برای حقوق‌های دولتی. مانند بسیاری از مقامات سایبری اسرائیل، او احتمالاً درآمد دولتی خود را از طریق **مشاوره، ارتباطات صنعتی یا مشارکت غیرمستقیم در قراردادهای دفاعی** تکمیل می‌کرد. برای او، ۱۰,۰۰۰ دلار مانع مالی نبود؛ معادل **جریمه ترافیکی برای یک کارگر کم‌درآمد** بود.

بدتر از آن، هیچ سابقه عمومی وجود ندارد که نشان دهد **پاسپورت او ضبط شده است**. دو احتمال وجود دارد: ۱. **به او اجازه داده شد پاسپورت اسرائیلی خود را نگه دارد**، یک غفلت آشکار برای کسی که به وضوح در معرض خطر فرار بود. ۲. **اگر پاسپورتش تحویل داده شده بود**، سفارت اسرائیل می‌توانست یک **سند سفر اضطراری** برای او صادر کند.

در هر صورت، خروج او می‌توانست متوقف شود اگر مقامات ایالات متحده او را در **لیست ممنوعیت پرواز** قرار داده بودند. این اتفاق نیفتاد. تا ۱۷ اوت، او به اسرائیل بازگشته بود – قبل از اینکه دادستان‌های نوادا فرصت آماده‌سازی برای اولین جلسه اساسی را داشته باشند.

منافع اسرائیل

چرا اسرائیل این‌قدر سریع عمل کرد؟ زیرا الکساندروویچ بیش از یک کارمند بود.

- او **معماری گنبد سایبری** و آسیب‌پذیری‌هایی که محافظت می‌کند را می‌شناخت.
- به نتانیاهو در مورد **استراتژی هوش مصنوعی و تاب‌آوری ملی** مشاوره می‌داد.

- احتمالاً **دانش عمیقی از مکانیزم‌های سانسور آنلاین** که اسرائیل برای شکل‌دهی به ادراک عمومی در خارج از کشور استفاده می‌کند، داشت.
- او اطلاعاتی درباره **اتحادهای سایبری اسرائیل** با ایالات متحده و دیگران داشت.

برای اسرائیل، چشم‌انداز یک استراتژیست سایبری ارشد که در زندانی در نوادا نشسته و به‌طور بالقوه در معرض بازجویی، نشت اطلاعات یا مذاکره برای توافق است، غیرقابل تحمل بود.

پاسخ دولت گویای همه چیز بود. مقامات ابتدا ادعا کردند که او فقط "بازجویی" شده، نه دستگیر، و "طبق برنامه" بازگشته است. تنها بعداً مدیریت سایبری اذعان کرد که او "با تصمیم متقابل" مرخصی گرفته است. تناقضات نشان‌دهنده تلاش هماهنگ برای **کاهش و پنهان کردن واقعیت** است.

پیامدهای گسترده‌تر

ماجرای الکساندروویچ فراتر از یک فرد است. این تقاطع ناخوشایند **عدالت، دیپلماسی و امنیت ملی** را آشکار می‌کند.

- **عدالت**: یک متهم معمولی در موقعیت او با وثیقه بالا، نظارت و محاکمه مواجه می‌شد. الکساندروویچ پس از یک شب در زندان آزاد شد.
- **دیپلماسی**: آیا وثیقه ملایم صرفاً یک خطای قضایی بود، یا نتیجه **کانال‌های دیپلماتیک پشت پرده** توسط مقامات اسرائیلی و آمریکایی که ترجیح دادند از رسوایی جلوگیری کنند؟
- **محرمانگی**: اگر الکساندروویچ در بازداشت ایالات متحده باقی می‌ماند، ممکن بود – چه تحت فشار، چه به‌طور تصادفی، یا در مذاکرات توافق – جزئیاتی از **عملیات هسباره سایبری** اسرائیل را فاش کند، و نشان دهد که چگونه حذف محتوا و سانسور در پشت صحنه مدیریت می‌شود.

سابقه‌ای نیز وجود دارد. اسرائیل سابقه طولانی در محافظت از اتباع متهم به جرایم در خارج از کشور دارد: - **ساموئل شین‌بین (۱۹۹۷)**: پس از اتهام قتل در ایالات متحده به اسرائیل فرار کرد؛ اسرائیل از استرداد او خودداری کرد. - **مالکا لیفر**: متهم به آزار جنسی کودکان در استرالیا؛ بیش از یک دهه علیه استرداد از اسرائیل مبارزه کرد. - **سیمون لویو ("کلاهبردار تیندر")**: از اتهامات کلاهبرداری در اروپا فرار کرد، تحت حفاظت قانون بازگشت.

در این پرتو، بازگشت الکساندروویچ به اسرائیل کمتر تصادفی و بیشتر شبیه یک **الگوی جاافتاده** به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری: چه کسی بر چه کسی حاکم است؟

برای مردم عادی، عملیات‌های مخفی در لاس‌وگاس با وثیقه‌های بالا، تحویل پاسپورت و نبردهای حقوقی طولانی پایان می‌یابد. برای الکساندروویچ، این یک اقامت یک‌شبه در بازداشتگاه هندرسون، وثیقه ۱۰,۰۰۰ دلاری و پرواز سریع به خانه بود.

این نابرابری سؤالی بزرگ‌تر و نگران‌کننده را مطرح می‌کند: **حاکمیت ایالات متحده کجا پایان می‌یابد و نفوذ خارجی کجا آغاز می‌شود؟**

وقتی یک مقام خارجی برجسته – که به او اسرار دولتی سپرده شده و مظنون به طراحی سیستم‌های سانسور آنلاین است – می‌تواند به این راحتی از سیستم قضایی آمریکا فرار کند، نشان می‌دهد که **ژئوپلیتیک بر عدالت غلبه می‌کند**.

در نهایت، پرونده تام الکساندروویچ صرفاً درباره مردی که در یک عملیات مخفی متهم شده نیست. این درباره واقعیت ناخوشایندی است که وقتی اسرار دولتی و اتحادهای قدرتمند در میان باشند، **عدالت قابل مذاکره می‌شود، وثیقه نمادین می‌گردد، و حاکمیت قانون زیر وزن سیاسی خم می‌شود**.